

صحیفه سجّادیه

نیایشهای جاودانی حضرت علی بن الحسین علیه السلام

ترجمه

سید علی موسوی گرمارودی



فهرست

۱ سرسخ
۱۳ پیشگفتار در بازگفتِ سندهای « صحیفه »
۳۹ نیایش نخست: سپاس و ستایش خداوند
۴۹ نیایش دوم: درود بر فرستادهٔ خداوند
۵۵ نیایش سوم: درود بر فرشتگان بردارندهٔ عرش و هر فرشتهٔ مقرب
۶۳ نیایش چهارم: درود بر پیروان پیامبران
۶۹ نیایش پنجم: نیایش برای خویش و بستگان
۷۵ نیایش ششم: نیایش بامداد و شامگاه
۸۳ نیایش هفتم: هنگام پیشامدها و ناگواری‌ها و هنگام اندوهگینی
۸۷ نیایش هشتم: پناهجویی به خداوند از ناشایست‌ها و کردارهای نکوهیده
۹۱ نیایش نهم: در اشتیاق به درخواست آمرزش
۹۵ نیایش دهم: در پناه به خداوند
۹۹ نیایش یازدهم: برای فرجام نیکو
۱۰۳ نیایش دوازدهم: در اعتراف و توبه
۱۱۱ نیایش سیزدهم: درخواست برآورده شدن نیازها
۱۱۷ نیایش چهاردهم: هنگام ستم دیدن
۱۲۳ نیایش پانزدهم: در بیماری
۱۲۷ نیایش شانزدهم: آمرزش گناهان
۱۳۷ نیایش هفدهم: در یاد آوردن شیطان و پناهجویی از او به خدای سبحان
۱۴۳ نیایش هجدهم: هنگام دور شدن ناخواسته‌ها و برآورده شدن خواسته‌ها
۱۴۵ نیایش نوزدهم: درخواست باران پس از خشکسالی
۱۴۹ نیایش بیستم: درخواست خوی‌های کرامند
۱۶۵ نیایش بیست و یکم: هنگام اندوهگین شدن از کاری
۱۷۳ نیایش بیست و دوم: هنگام سختی و تلاش
۱۸۱ نیایش بیست و سوم: درخواست تندرستی و سپاس بر آن
۱۸۵ نیایش بیست و چهارم: برای پدر و مادر
۱۹۳ نیایش بیست و پنجم: برای فرزندان
۱۹۹ نیایش بیست و ششم: برای همسایگان و دوستان
۲۰۳ نیایش بیست و هفتم: برای مرزبانان

۲۱۵	نیایش بیست و هشتم: در زاری به درگاه خداوند
۲۱۹	نیایش بیست و نهم: در تنگدستی
۲۲۱	نیایش سیام: یاری از خداوند برای بازپس دادن وام
۲۲۵	نیایش سی و یکم: در توبه و درخواست آن
۲۳۷	نیایش سی و دوم: پس از نماز شب در اعتراف به گناه
۲۴۹	نیایش سی و سوم: هنگام استخاره
۲۵۳	نیایش سی و چهارم: هنگام دیدن کسی که گرفتار است به رسوایی گناه
۲۵۷	نیایش سی و پنجم: در مقام رضا
۲۶۱	نیایش سی و ششم: هنگام دیدن ابر و آذرخش و شنیدن تندر
۲۶۵	نیایش سی و هفتم: در اعتراف به کوتاهی سپاس
۲۷۱	نیایش سی و هشتم: در پوزش از دادخواهی‌های پندگان
۲۷۳	نیایش سی و نهم: درخواست گذشت و رحمت (از خداوند)
۲۷۹	نیایش چهارم: هنگام یادکرد مرگ
۲۸۳	نیایش چهل و یکم: درخواست پرده‌پوشی و نگهداشت از گناه
۲۸۵	نیایش چهل و دوم: در ختم قرآن
۲۹۷	نیایش چهل و سوم: چون به ماه نو می‌نگریست
۳۰۱	نیایش چهل و چهارم: هنگام رسیدن ماه رمضان
۳۱۱	نیایش چهل و پنجم: در بدرود با رمضان
۳۲۹	نیایش چهل و ششم: پس از نماز عید فطر
۳۳۷	نیایش چهل و هفتم: در روز عرفه
۳۷۳	نیایش چهل و هشتم: در عید قربان و روز آدینه
۳۸۵	نیایش چهل و نهم: در پیشگیری از نیرنگ دشمنان
۳۹۳	نیایش پنجاهم: در ترس از خدا
۳۹۷	نیایش پنجاه و یکم: در زاری و فروتنی (بر درگاه خداوند)
۴۰۳	نیایش پنجاه و دوم: در یافتناری به درگاه خداوند
۴۰۹	نیایش پنجاه و سوم: در خاکساری در برابر خداوند
۴۱۳	نیایش پنجاه و چهارم: در زدودن اندوهان
۴۱۷	منابع زیرنویس‌ها
۴۱۹	پی‌نوشتها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده بخشاینده

پیشگفتار در بازگفتِ سندهای «صحیفه»

۱. بزرگ برتر نجم‌الدین، بهاء‌الشرف، ابوالحسن، محمد بن حسن بن احمد بن علی بن محمد بن عمر بن یحیی علوی حسینی - که خدایش رحمت کند - برای ما^۱ روایت کرد و گفت:
۲. دانشمند نیک‌بخت، ابو عبدالله محمد بن احمد بن شهریار، گنجور گنجینه (حرم) سرور ما امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) در ماه ربیع‌الاول از سال پانصد و شانزده به ما خبر داد در حالی که (صحیفه) بر او خوانده می‌شد و من می‌شنیدم.
۳. او گفت: شنیدم آن (صحیفه) را که بر شیخ صدوق (= دانشمند بسیار راستگو)، ابومنصور محمد بن احمد بن عبدالعزیز عکبری مُعَدَّل^۲ - خدایش رحمت کند - از (سوی) ابومفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی خوانده می‌شد.
۴. او گفت: شریف^۳ ابو عبدالله، جعفر بن محمد بن جعفر بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن امیر مؤمنان علی بن ابوطالب - بر ایشان درود - برای ما روایت کرد
۵. و گفت: عبدالله بن عمر بن خطاب زیات (= روغن فروش) در سال دویست و شصت و پنج برای ما روایت کرد.

① حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُّ نَجْمُ الدِّينِ بِهَاءِ الشَّرَفِ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ - رَحِمَهُ اللَّهُ -

② قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِيَّارِ الْخَازِنِ لِحَزَانَةِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ مِنْ سَنَةِ سِتِّ عَشْرَةَ وَ خَمْسِ مِائَةِ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَ أَنَا أَسْمَعُ

③ قَالَ: سَمِعْتُهَا عَلَى الشَّيْخِ الصَّدُوقِ أَبِي مَنْصُورٍ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعُكْبَرِيِّ الْمُعَدَّلِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيِّ

④ قَالَ: حَدَّثَنَا الشَّرِيفُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - عَلَيْهِمُ السَّلَامُ -

⑤ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ خَطَّابِ الزِّيَّاتِ، سَنَةَ خَمْسِ وَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ

۶. و گفت: دایی ام علی بن نعان اعلم (= لب شکری)^۴ برای ما روایت کرد.
۷. و گفت: عمیر بن متوکل ثقی بلخی از قول پدرش متوکل بن هارون برای من روایت کرد.
۸. و گفت: یحیی بن زید بن علی (ع) را دیدم که پس از کشته شدن پدرش، آماده رفتن به خراسان بود؛ بدو درود گفتم.
۹. به من گفت: از کجا می آیی؟
گفتم: از زیارت خانه خدا.
۱۰. از خانواده خود و از آموزادگانش در مدینه پرسید و بویژه در پرسش از حال جعفر بن محمد^۵ (ع) پای فشرد.^۶
من هم او را از حال وی و دیگران و از اندوهی که آنان برای پدرش زید بن علی^۷ (ع) داشتند آگاهاندم.
۱۱. به من گفت: عموم محمد بن علی^۸ (ع) به پدرم در ترک شورش اشاره می فرمود و به او فهانده بود که اگر شورش کند و از «مدینه» جدا شود، سرانجام وی، چه خواهد بود. [سپس یحیی بن زید پرسید]:
— آیا تو پسر عموم جعفر بن محمد (ع) را ملاقات کردی؟
گفتم: آری.
۱۲. گفت: آیا چیزی از او درباره من شنیدی؟
گفتم: آری.
۱۳. گفت: به من بگو، از من چه گفت؟
گفتم: فدایت شوم، دوست ندارم آنچه از او شنیدم پیش رویتان بگویم.
۱۴. گفت: آیا مرا از مرگ می ترسانی، آنچه شنیده ای بگو!
ناچار گفتم: شنیدم می گفت که شما کشته و به دار آویخته خواهید شد چنان که پدرتان کشته و به دار آویخته شد.

- ⑥ قَالَ: حَدَّثَنِي خَالِي خَالِي عَلِيُّ بْنُ التُّعْمَانِ الْأَعْلَمِ
- ⑦ قَالَ: حَدَّثَنِي عُمَيْرُ بْنُ مُتَوَكَّلٍ الثَّقَفِيُّ الْبَلْخِيُّ، عَنْ أَبِيهِ مُتَوَكَّلِ بْنِ هَارُونَ
- ⑧ قَالَ: لَقِيتُ يَحْيَى بْنَ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَى خُرَاسَانَ بَعْدَ قَتْلِ أَبِيهِ، فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ
- ⑨ فَقَالَ لِي: مِنْ أَيْنَ أَقْبَلْتَ؟ قُلْتُ: مِنَ الْحَجِّجِ
- ⑩ فَسَأَلَنِي عَنْ أَهْلِهِ وَبَنِي عَمِّهِ بِالْمَدِينَةِ، وَأَخْفَى السُّؤَالَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَأَخْبَرْتُهُ بِخَبْرِهِ وَخَبْرِهِمْ وَخُرْبِهِمْ عَلَى أَبِيهِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ -
- ⑪ فَقَالَ لِي: قَدْ كَانَ عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشَارَ عَلَى أَبِي بَتْرَكِ الْخُرُوجِ، وَعَرَفَهُ إِنْ هُوَ خَرَجَ وَفَارَقَ الْمَدِينَةَ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ مَصِيرٌ أَمْرِهِ، فَهَلْ لَقِيتَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟ قُلْتُ: نَعَمْ
- ⑫ قَالَ: فَهَلْ سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِي؟ قُلْتُ: نَعَمْ
- ⑬ قَالَ: بِمَ ذَكَرْتَنِي؟ خَبَّرْتَنِي. قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَحِبُّ أَنْ أَسْتَقْبِلَكَ بِمَا سَمِعْتُهُ مِنْهُ
- ⑭ فَقَالَ: أَبَا الْمَوْتِ تُخَوِّفُنِي؟ هَاتِ مَا سَمِعْتَهُ. فَقُلْتُ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّكَ تُقْتَلُ وَتُصَلَّبُ كَمَا قُتِلَ أَبُوكَ وَصَلِبُ